

بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان

علی/احمد پناهی^۱ / احمد حسین شریفی^۲

چکیده

این مقاله، با رویکرد تحلیلی و نظری به بررسی بایسته‌های اخلاقی همسران و آثار آن در تحکیم خانواده می‌پردازد. از منظر آموزه‌های دینی و روان‌شناختی، هر یک از همسران در برابر دیگری وظایفی دارند که التزام به آنها در ایجاد فضای مثبت و بانشاط خانوادگی، تأثیر قابل توجهی دارد. تکریم، رعایت ادب، قدردانی، خوش‌خلقی، محبت، خوش‌بینی، صیانت از آبروی یکدیگر، مدارا و... از مسائلی است که همسران با عمل به آنها، می‌توانند روابط میان خود را جذاب و مستحکم سازند. با نگاهی روان‌شناختی به آموزه‌های مزبور، درمی‌یابیم که تعهد همسران به وظایف اخلاقی، موجب احساس همگرایی و همدلی مثبت‌اندیش شده، و فضای خانوادگی در اثر این نتایج، بالنده و بانشاط خواهد شد. همچنین فرزندان چنین خانواده‌ای در اثر یادگیری اجتماعی و مشاهده‌ای، به سوی خیر، صلاح و تعهدمداری سوق پیدا می‌کنند.

کلید واژه‌ها: اخلاق، محبت، دیدگاه اسلامی، یادگیری مشاهده‌ای، آموزه‌های روان‌شناختی.

^۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). دریافت: ۸۷/۶/۳۱ - پذیرش: ۸۸/۱۰/۵

^۲ استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مقدمه

آرزو و تمایل درونی همه انسان‌های سالم این است که در محیطی آرام، باطراوت، صمیمی، اخلاقی و انسانی زندگی کنند. کمتر انسانی پیدا می‌شود که از این شرایط گریزان باشد. همه علاقه‌مندند همسری مهربان، با ادب، وظیفه‌شناس، زیرک، متواضع و... داشته باشند. همه انسان‌ها از فضاها و محیط‌های بی‌روح و بی‌عاطفه گریزان هستند و دوست ندارند در این مکان‌ها حضور یابند. با این وجود، تمایلات و گرایش‌ها در درون همه افراد جامعه، چه بسا با راه‌کارها و زمینه‌های ایجاد این شرایط (محیط آرام و جذاب) ناآشنا یا کاملاً بیگانه باشند. اما مسئله مهم این است که، همه دوست دارند از این راه‌کارها مطلع شوند و آنها را در زندگی به کار بندند و به رضایت و خشنودی بیشتری دست یابند. این راه‌کارها در آموزه‌های اسلامی با عنوان «اخلاق معاشرت» بیان گردیده است.

خانواده بهترین پناهگاه و ساحل آرامش و اطمینان است. ارکان اصلی خانواده، زن و شوهر است و اگر این دو عنصر اصلی، توافق و همدلی و سازگاری داشته باشند، سایر اعضای خانواده نیز در آسایش روانی خواهند بود. از این‌رو، در این مقاله به وظایف اخلاقی و انسانی همسران می‌پردازیم که نقش زیادی در پویایی، نشاط، آرامش و تربیت خانواده دارد.

پیش از پرداختن به وظایف اخلاقی همسران، منظور خود را از «اخلاق» در این نوشتار بیان می‌کنیم؛ معنا و مفهوم اخلاق در کتاب‌های اخلاقی و در منظر عالمان و دانشمندان اخلاق، به مجموعه صفات روحی و باطنی و به عبارت دیگر مجموعه صفات و ویژگی‌های درونی و ملکه‌شده که منشأ صدور کارهای نیک می‌گردد، اطلاق گردیده است.^۱ اما هدف و منظور ما از مفاهیم اخلاقی و وظایف اخلاقی در این مقاله، مجموعه کارهای پسندیده‌ای است که همسران وظیفه دارند در مقابل همدیگر انجام دهند. این وظیفه برخلاف وظایف حقوقی، از پشتوانه

حکومتی و قانونی نیز برخوردار نیست و صرفاً به نیت انجام وظایف اخلاقی و نیل به کمالات معنوی و حتی گاهی به نیت شیرینی و صمیمیت بیشتر در زندگی خانوادگی انجام می‌شود.

جایگاه اخلاق در روابط همسران

برای تعامل مطلوب و به منظور شکوفایی، تکامل معنوی، اجتماعی و تربیتی همسران، توصیه‌های ارزشمندی در آموزه‌های دینی و اسلامی و روان‌شناختی منعکس شده است که بیشتر به بُعد اخلاقی وظایف همسران توجه دارد.

۱. احترام و تکریم

احترام و تکریم یکدیگر از آموزه‌های اخلاقی دوجانبه در روابط همسران است؛ یعنی همان‌طور که زن وظیفه دارد به شوهر خود احترام بگذارد و شأن و منزلت او را در مقام همسر، مدیر خانواده و پدر فرزندان رعایت بکند، مرد نیز متقابلاً باید زن را تکریم کند و منزلت همسری و مادری او را رعایت کند. هر فردی به شخصیت و منزلت خویش علاقه‌مند است و از خدشه‌دار شدن آن رنج می‌برد. در پرتو تکریم و احترام متقابل، حدود و جایگاه افراد حفظ می‌شود و لطمه‌ای به شخصیت آنان وارد نمی‌گردد. رعایت این اصل (احترام متقابل) درباره همسران، که به طور طبیعی سالیان زیادی با همدیگر انس، الفت و معاشرت دارند، اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند و رعایت آن موجب استحکام و ثبات بیشتر خانواده می‌گردد. زن و شوهر هرگز نباید به دلیل ارتباط و انس زیاد با یکدیگر، از این امر غفلت داشته باشند، بلکه به دلیل همین ارتباط زیاد موظف هستند در هر حال، شأن و موقعیت یکدیگر را درک کرده و رعایت کنند.

در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، توصیه‌های ارزشمندی به مردان و به زنان درباره تکریم همسر بیان شده است. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زنی که شوهر خود را آزار و اذیت کند و سعادت‌مند زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و از او در همه حالات اطاعت و فرمانبرداری نماید». ^۲ پیامبر گرامی اسلام حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله درباره اکرام زن می‌فرماید: «کسی که زنی را به همسری انتخاب می‌کند، باید او را احترام کند و منزلت او را حفظ نماید». ^۳ امام سجاده‌علیه‌السلام نیز در این باره می‌فرماید: «حق زن بر مرد آن است که بداند خداوند زن را مایه آرامش و انس مرد قرار داده است و بداند که زن نعمتی الهی می‌باشد، پس باید او را اکرام کرده و نسبت به او مهربان باشد». ^۴

نمودها و مصادیق تکریم و احترام

احترام متقابل میان زن و شوهر گونه‌های مختلفی دارد که نمونه‌هایی از آنها به شرح ذیل است:

الف) سلام کردن به همدیگر

سلام نوعی اعلام محبت، دوستی و مهر در آغاز گفت‌وگو و هنگام داخل شدن به منزل است. سلام همچنین نوعی اظهار ادب و نوعی تکریم و احترام است. حضرت علی‌علیه‌السلام درباره جایگاه سلام در تعاملات اجتماعی و بین‌فردی می‌فرماید: «زبان‌ت را به نرمی و لطیف‌گویی و سلام کردن عادت بده تا دوستدارانت زیاد و دشمنانت اندک گردند». ^۵ پیامبر گرامی اسلام حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله نیز می‌فرماید: «آیا شما را به چیزی راهنمایی بکنم که اگر انجامش دهید، محبوب یکدیگر خواهید شد؟ سلام کردن میان خودتان را آشکار کنید». ^۶

آغاز سخن با سلام و تحیت، نوعی اظهار تمایل به ارتباط کلامی و نوعی اظهار علاقه است. بی‌شک، سلام‌کننده از این راه، دوستی و محبت را میان خود و

همسرش افزایش می‌دهد و به همین نسبت، زمینه‌های کدورت و دشمنی را برطرف می‌سازد. همچنین هر قدر سلام رساتر و خالصانه‌تر و نیز سرشار از احترام و تکریم باشد، اثرش در جذب دیگران، به‌ویژه همسر، قوی‌تر و پایدارتر خواهد بود.

ب) رعایت ادب در برخورد با همسر

آدمیزاده اگر بی‌ادب است انسان نیست فرق ما بین بنی آدم و حیوان ادب است

یکی دیگر از مصادیق تکریم، رعایت ادب در برخورد با همسر است. ادب، نیکوترین هدیه و بارزترین مصداق احترام و تکریم دیگران به‌ویژه همسر است. حضرت علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «ادب نیکو بهترین کمک‌کار و برترین همراه است».^۷ همچنین آن حضرت فرمودند: «ادب نیکو سبب تزکیه و پاک‌سازی اخلاق است».^۸

نقش ادب در روابط میان انسان‌ها همانند نقش محافظ است که بسیاری از آفت‌ها را رفع می‌کند و آنها را از آسیب مصون می‌دارد. به‌کارگیری الفاظ نامناسب یا رکیک و رعایت نکردن عفت کلام، افزون بر اینکه از مراتب معنوی انسان می‌کاهد، موجب از بین رفتن صمیمیت و محبت در میان همسران می‌گردد و آنان را نسبت به همدیگر جسورتر می‌کند.

ج) استقبال و بدرقه شوهر

استقبال از همسر هنگام وارد شدن او به منزل یا بدرقه او هنگام بیرون رفتن، نشانه‌ی علاقه‌مندی و صمیمیت میان آنان است. این عمل زن، افزون بر اینکه اجر معنوی در پی دارد، موجب افزایش مهر و محبت در میان آنان می‌گردد. زن با این کار نشان می‌دهد که از نبود شوهر دل‌تنگ می‌شود و از آمدنش خوشحال

می‌گردد. از این‌رو، تا آخرین لحظه خروج از منزل از او جدا نمی‌شود و در اولین لحظه ورود نیز به دیدارش می‌شتابد و از او به گرمی استقبال می‌کند. این کار همسر، نوعی اظهار ارادت قلبی، نشانه تکریم، حفظ شأن مرد و اظهار بزرگی مرد برای افراد خانواده است و موجب مجذوب شدن مرد به خانه و مصون ماندن از رفیق‌بازی و مسائل دیگر می‌گردد.

در آموزه‌های آسمانی، این کار زن از وظایف اخلاقی او تلقی شده و پاداش معنوی برای آن مقدر گردیده است. در روایتی از حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: «حق مرد بر زن آن است که چراغ خانه را روشن کند (حفظ منزل نماید)، غذا را آماده کند و هنگام ورود مرد به خانه، تا جلوی در به استقبال او برود و به او خوش‌آمد بگوید».^۹

اهمیت دادن به حضور همسر در منزل و اظهار خوشحالی به هنگام ورود شوهر به خانه و اهمیت دادن به شخصیت و جایگاه او، به‌ویژه در حضور فرزندان و میهمانان، موجب به وجود آمدن این تصور در شوهر می‌شود که در خانه و میان اهل خانه عزیز و محبوب است. از این‌رو، وقتی در کنار افراد خانواده است، احساس رضایت خاطر درونی می‌کند و خستگی کار و تلاش از او رفع می‌شود و روز بعد، با انرژی و امید فراوان به طرف کار و تلاش خود می‌رود. اما اگر خانواده، به‌ویژه زن، به شوهر بی‌اعتنا باشند، وی سرخورده شده و انگیزه حضور در خانه را از دست می‌دهد و آرام‌آرام نه تنها به خانواده توجهی نمی‌کند، بلکه به دنبال رفیق‌بازی یا انحراف اخلاقی می‌رود تا خلأ عاطفی خود را تأمین کند.

جان‌گری،^{۱۰} یکی از روان‌شناسان غربی و از کسانی که در مشاوره و مسائل خانواده مطالعات زیادی کرده است، می‌نویسد: «اگر همسران در طول شبانه‌روز لااقل چهار بار همدیگر را در آغوش بگیرند و اظهار محبت به همدیگر بکنند و

به‌ویژه این کار را در موقع ورود همسر به خانه انجام دهند، بسیار در روابط آنان مؤثر خواهد بود.^{۱۱} بر اساس پژوهش‌ها نیز ثابت شده است که تماس مکرر، به واکنش عاطفی مثبت می‌انجامد و باعث نزدیکی بیشتر می‌گردد.^{۱۲} البته، باید توجه داشت که این اعمال هرگز نباید در حضور بچه‌ها باشد؛ زیرا باعث تحریکات جنسی آنان می‌گردد و آسیب‌های اخلاقی به دنبال خواهد داشت.

د) قدردانی و سپاسگزاری از همسر

قدردانی و سپاسگزاری از همسر از آموزه‌های اخلاقی دوجانبه است؛ یعنی هم زن و هم مرد باید در مقابل کارهایی که انجام می‌گیرد، از همدیگر قدردانی کنند. سپاسگزاری، بازتاب عاطفی محبت و خوش‌اخلاقی در روان آدمی است. هر انسانی به‌طور طبیعی دوست دارد از نیکی و محبت و فداکاری دیگران قدردانی کند و همچنین دوست دارد از او قدردانی شود. قدردانی از دیگران در مقابل انجام دادن کاری، یکی از صفات پسندیده و از بزرگ‌ترین رمزهای جلب دوستی و لطف دیگران است.

گرچه به تشکر و قدردانی از دیگران سفارش شده است،^{۱۳} اهمیت آن درباره همسران مضاعف بوده، نقش تعیین‌کننده‌ای در گرمی و صمیمیت میان آنان دارد. به‌طوری که این امر جزو وظایف اخلاقی همسران تلقی شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بهترین زنان شما آن بانویی است که اگر به او چیزی دهند (و یا خدمتی کنند) سپاسگزاری می‌کند و چنانچه از او باز گیرند، راضی و خشنود می‌شود».^{۱۴}

تحسین و قدردانی هر یک از همسران از دیگری، بنابر قانون تقویت در شرطی‌سازی کنشگر،^{۱۵} آنها را در انجام دادن کارهای خانه یا بیرون خانه به طور شایسته‌تر دلگرم می‌سازد و احساس محبت را در کام آنها شیرین می‌گرداند. این

تأثیر در زنان که عاطفی‌تر و مهربان‌تر هستند بیشتر خواهد بود. قدردانی از زحمات همسر در برابر خدمات و زحماتی که می‌کشد (اعم از وظایف الزامی و یا غیرالزامی) یک مؤلفه قوی در جهت پیوند عاطفی بیشتر همسران و یک عامل تعیین‌کننده در ایجاد دلبستگی و علاقه‌مندی میان آنان است. این امر در عصر حاضر، برخلاف نظام خانوادگی سنتی که انجام وظایف بیرونی و درونی منزل را از وظایف هر کدام از همسران می‌دانست و بدون چشمداشت انجام می‌شد، اهمیتی مضاعف پیدا کرده است و با توجه به تغییر ساختار خانواده، همسران توقع بیشتری دارند تا در مقابل زحمات آنان قدردانی شود.

بر اساس پژوهشی که در این زمینه انجام گرفته است، ۸۷ درصد همسران اعلام کرده‌اند که توقع دارند از زحمات آنان در خانه قدردانی شود.^{۱۶} کارل راجرز^{۱۷} که یکی از روان‌شناسان غربی است در این باره می‌گوید: «انسان نیاز دارد به اینکه دیگران برای او قدر و منزلتی قائل باشند و قدرش را نیز بدانند. اهمیتی که شخص به این موضوع می‌دهد، در کنش‌های درونی و جنبه‌های تحریکی ارگانسیم و در رفتار او اثر فراوان می‌گذارد. از سوی دیگر، نیاز به قدردانی دیگران و نیاز به قدردانی خویشان در رفتار و کردار آدمی مؤثر است».^{۱۸} جان گری دربارهٔ قدردانی زن از مرد می‌گوید:

هر وقت زن به خاطر کاری که مرد کرده است از او قدردانی و تشکر می‌کند، مرد بابت آن قدردانی به زن امتیاز می‌دهد؛ چون حس می‌کند زن دوستش دارد. مردان برای امتیاز دادن به زن لزوماً نمی‌خواهند زن برای آنها کاری انجام دهد و فقط می‌خواهند زن دوست‌شان بدارد و قدردان باشد. لذا لازم است زنان از مردان قدردانی کنند؛ والا انجام وظایف از ناحیهٔ مردان بی‌اهمیت می‌شود.^{۱۹}

۲. معاشرت پسندیده و نیکو

معاشرت نیکو با همسر مراتب مختلفی دارد که برخی از آنها واجب شرعی بوده، همسران موظف هستند آن را رعایت کنند. اما مراد از معاشرت نیکو در این بحث، برخوردی نیکوتر و مناسب‌تر از مقدار واجب است. به عبارت دیگر، مقداری که شرعاً و قانوناً واجب نیست، ولی لزوم اخلاقی دارد و در تکمیل ایمان و همچنین بهبود روابط همسری بسیار مؤثر است.

نمودهای معاشرت پسندیده

الف) خوش خلقی

خوش خلقی و مهربانی با همسر یکی از نمودهای برجسته معاشرت پسندیده است. این ویژگی اخلاقی دو جانبه است و هر یک از همسران باید به آن آراسته باشند. کسی که در برخورد با همسر با چهره‌ای بشاش، ادای کلمات زیبا، بدون داد و فریاد، منطقی، متواضعانه و دلسوزانه ظاهر می‌شود، شخصی خوش اخلاق تلقی می‌گردد. این شخص با حضور خود در جمع خانواده، افزون بر ایجاد صفا و آرامش در خانواده، از اجر معنوی نیز برخوردار می‌شود و همچنین مورد لطف اعضای خانواده قرار می‌گیرد. فضای به وجود آمده با حضور پدر و یا مادر خوش اخلاق، در آرامش روانی، اعتماد به نفس، شکوفایی و پیشرفت همه اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان تأثیر زیادی دارد. پیامبر گرامی اسلام درباره ارزش و جایگاه خوش اخلاقی می‌فرماید: «شایسته‌ترین مردم از نظر ایمانی، خوش اخلاق‌ترین آنها و مهربان‌ترین آنها با خانواده‌اش است و من مهربان‌ترین شما نسبت به خانواده‌ام هستم».^{۲۰}

ترش‌رویی، اخم، داد و فریاد، عُر زدن و بی‌حوصلگی با همسر، نه تنها زندگی را به جهنمی سوزان تبدیل می‌کند، بلکه هیچ منفعتی ندارد و فقط کارهای خوب

انسان را نابود می‌سازد و انسان را از معنویت دور می‌کند و از چشم اعضای خانواده می‌اندازد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «از بدخلقی پرهیزید؛ زیرا بدخلقی شما را جهنمی می‌کند».^{۲۱} و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «بداخلاقی اعمال و حسنات انسان را نابود می‌کند، همان طوری که سرکه غسل را نابود می‌نماید».^{۲۲}

ب) مهربانی و محبت

محبت و مهربانی به همسر یکی از راه‌کارهای اساسی در شیرینی و شادکامی زندگی زناشویی و یکی از آموزه‌های اخلاقی اسلام است. این شاه‌کلید خوشبختی دوجانبه بوده و هم زن و هم مرد موظفند به آن ملتزم باشند. ولی باید گفت زن عاطفی‌تر، احساسی‌تر و لطیف‌تر از مرد است. از این‌رو، نیاز زن به محبت و مهربانی، بیش از مرد می‌باشد. ترحم و مهربانی به همسر، اکسیری کم‌نظیر است و تأثیری که در نزدیکی دل‌ها و در ایجاد صمیمیت دارد، کم‌بدیل است. این تأثیر شگرف به این دلیل است که انسان ذاتاً تشنه دوستی و محبت است و یکی از نیازهای روانی انسان تعلق و دوستی می‌باشد. محبت، انگیزه بسیاری از تلاش‌ها و زحمتهای طاقت‌فرسای زندگی است. انسان همان‌طور که از محبت خویش به دیگران لذت می‌برد، پیوسته در تلاش است تا محبت دیگران را به خود جلب کند. انسان می‌خواهد او را دوست داشته باشند و اگر احساس کند هیچ کس به او علاقه ندارد، جهان با همه وسعتش برای او تنگ و تاریک خواهد بود.

برخی از روان‌شناسان مانند آبرهام مزلو و کوینینگ، نیاز به محبت و تعلق‌پذیری را از نیازهای اساسی و از نیازهای روان‌شناختی تلقی کرده‌اند و

اعتقاد دارند که ارضای این نیازها در آرامش روانی و سلامت روانی افراد تأثیر اساسی دارد.^{۲۳}

از منظر اسلام، اساس و شالوده زندگی خانوادگی بر محبت استوار است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «از نشانه‌های قدرت خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برایتان آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این امر نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».^{۲۴} بر همین اساس، می‌توان ادعا کرد که نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت است و بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده، به‌ویژه همسران به یکدیگر است. از این‌رو، در آموزه‌های دینی فراوان توصیه شده است تا همسران - به‌ویژه مردان - نسبت به همدیگر اظهار محبت و مهربانی کنند و این محبت خود را آشکار سازند.

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «با زنان مهربانی کنید و دل‌هایشان را به دست آورید تا با شما همراهی کنند و هرگز آنان را مجبور و خشمگین نکنید».^{۲۵} ایشان در روایت دیگری فرمودند: «اگر مردی به همسرش بگوید دوستت دارم، هرگز از قلب او خارج نمی‌شود».^{۲۶}

لازمه شادابی و نشاط روانی زن و مرد، به‌ویژه زن، این است که خود را محبوب همسر خویش ببیند و از عشق و علاقه او به خود مطمئن باشد. همین اعتماد و اطمینان، امنیت خاطر زن را تأمین می‌کند و به آرامش روانی او می‌افزاید. اگر زن در مورد محبت و علاقه همسرش نسبت به خود تردید کند یا به علاقه او به افراد دیگر پی ببرد، احساس درماندگی و ناتوانی عاطفی به او دست می‌دهد و از اینکه نتوانسته عواطف شوهر را تصرف کند، احساس خسران

می‌کند. در نتیجه این احساس، ممکن است رو به پژمردگی نهاده و از نشاط روحی‌اش کاسته شود. این مسئله چنان بر روان زن تأثیر می‌گذارد که علاقه او نسبت به فرزندانش نیز کمتر می‌شود؛ یعنی حتی عاطفه مادری نیز به شدت از عواطف شوهر نسبت به زن تأثیر می‌پذیرد. حمایت و مهربانی قلبی مرد، آن‌قدر برای زن ارزش دارد که زندگی زناشویی بدون آن برای زن قابل تحمل نبوده، هرگز احساس خوشبختی نمی‌کند.^{۲۷}

زن به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد، اغلب نمی‌تواند به‌طور مستقیم از بی‌مهری یا کم‌توجهی شوهرش نسبت به خود گلایه کند. گویی این کار را یا در شأن خود نمی‌داند و یا آن را مایه تحقیر خود و چه بسا مایه تحقیر شوهر بداند. حال اگر از چنین وضعی پیوسته رنج ببرد، آثار نامطلوب این احساس درونی به مرور زمان در رفتارهای او با اعضای خانواده، به‌ویژه همسر پدیدار می‌شود. زن اگر از عواطف همسری ارضا شود، عالی‌ترین احساسات خود را نثار شوهر می‌کند و بیش‌ترین فداکاری را نثار زندگی و شوهر خواهد کرد. بنابراین، مهم‌ترین وظیفه اخلاقی و انسانی مرد این است که همسر خود را از همان آغاز زندگی، از محبتی که به او دارد آگاه سازد و پیوسته با نثار محبت و انجام کارهایی که نشان از علاقه و عشق او به همسر است، نهال نورسیده زندگی زناشویی را سیراب و سرسبز سازد. زن نیاز دارد حرف‌های پرمهر و محبت را به‌طور مداوم بشنود؛ با شوهرش بیرون برود؛ در تحسین و تمجید از هر چیزی، با شور و شوق شوهرش شریک شود و نیز یکی شدن واقعی با همسرش را در سکوتی لذت‌بخش تجربه کند. برای زن، عشق به معنای علاقه دائمی و در سطح عالی است. به همین دلیل، می‌خواهد همیشه در کنار شوهرش باشد. زن برای ساعت‌هایی که شوهرش با اوست، ارزش قائل است؛ جمعه‌هایی که او در خانه

است و غروب‌هایی که شوهر او را به مهمانی یا تفریح می‌برد، اگر شوهر به کار و تفریحی بپردازد که مورد رضایت زن نیست، زن احساس می‌کند دیگر مورد علاقه نیست و از این کار مرد عصبانی می‌شود.^{۲۸}

زن نیز باید به شوهر خود عشق بورزد و از اظهار محبت به او دریغ نکند و علاقه خود را به گونه‌های مختلف بیان، و از خدمات مرد و تلاش او قدردانی کند و با برجسته کردن فداکاری‌های مرد، به او توجه کند. ابراز علاقه زن به شوهر، افزون بر جلب رضایت و عواطف شوهر، موجب افزایش انگیزه مرد برای تلاش و تأمین آسایش خانواده می‌گردد. همچنین موجب رضایت خاطر مرد از زندگی و احساس ارزشمندی در خانواده می‌گردد. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «زن باید با اظهار علاقه و با دلربایی و آرایش در برابر شوهر، به گونه‌ای عمل کند که رضایت و خوشنودی شوهر جلب شود».^{۲۹}

۳. پرهیز از آزار همسر

رعایت حدود و حقوق همسر و آزار نرساندن به او (اعم از آزار جسمی و یا زبانی)، از وظایف اخلاقی دوطرفه است و همسران باید آن را رعایت کرده، بدان ملتزم باشند. زن باید از هر گونه عملی که موجب رنجش خاطر شوهر می‌شود، پرهیزد و دقت کند که شوهر از چه کاری، حرفی و حرکتی ناراحت می‌شود و او سعی کند آنها را انجام ندهد. زن باید زبان خود را کنترل کرده و از زخم زبان، طعنه، متلک، کنایه زدن و هر عملی که به نوعی تخریب‌کننده عواطف و شخصیت شوهر است، اجتناب ورزد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «بدا به حال زنی که شوهرش را عصبانی کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد».^{۳۰} رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرمودند: «بهترین زنان شما، آن زنی است که اگر شوهرش خشمگین شود به او (شوهر) بگوید:

دستم در دست توست و اختیار من به دست توست، خواب نخواهم رفت تا از من راضی شوی».^{۳۱} همچنین امام صادق علیه‌السلام درباره عواقب بدزبانی همسر فرمودند: «سه چیز زندگی را تیره و تار می‌گرداند: حاکم ستمگر، همسایه بد و زن بددهن و فحاش».^{۳۲}

از سوی دیگر، مرد نیز وظیفه دارد از ناسزاگویی، نیش زدن و هر کاری که آزار و اذیت به شمار می‌آید، بپرهیزد. همچنین حق ندارد همسر خود را تنبیه بدنی کند و او را بزند. تنبیه بدنی همسر، عواطف موجود در میان همسران را از بین می‌برد، و نفرت و بدبینی ایجاد می‌کند، همچنین دل‌بستگی زن به زندگی را کم‌رنگ کرده و برایش عقده روانی می‌شود و به مرور زمان از چنین مردی نفرت عاطفی پیدا می‌کند. پیامبر گرامی اسلام درباره آثار تنبیه زن می‌فرماید: «هر کس به صورت زنش سیلی بزند، خداوند به مالک جهنم دستور می‌دهد تا هفتاد سیلی به صورت او بزند».^{۳۳} همچنین در جای دیگر فرمودند: «کسی که همسر خود را بدون دلیل بزند، در روز قیامت، من دشمن او خواهم بود. زنانان را نزنید؛ کسی که زنش را بدون دلیل بزند، خدا و رسولش را عصیان کرده است».^{۳۴}

۴. مدارا

مدارا به معنای مهربانی و نرمی کردن، شفقت و ملایمت نشان دادن، درایت و فهم، مماشات و سلوک، از آموزه‌های اخلاقی دین اسلام و حتی از دستورهای اخلاقی سایر ادیان است. این دستور اخلاقی در زندگی اجتماعی به طور عام، و در نهاد خانواده به طور خاص، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. این ویژگی اخلاقی در تعاملات عمومی و تعامل با خانواده و فرزندان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ به طوری که بدون رعایت آن، خیلی از امور جامعه و خانواده به سامان نمی‌یابد. اگر شخصی در مسائل اجتماعی، خانوادگی و همسررداری نتواند با

ملاطفت، نرمی و مماشات رفتار کند، با شکست مواجه خواهد شد و در اداره زندگی ناتوان می‌گردد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره ارزش مدارا در برخورد با مردم می‌فرماید: «مدارا با مردم نیمی از ایمان و نرم‌خویی با آنان نیمی از زندگی است».^{۳۵}

مدارا در زندگی خانوادگی و زناشویی موجب همدلی، همکاری،^{۳۶} خوش‌بختی،^{۳۷} امنیت روانی و جانی،^{۳۸} برکت،^{۳۹} محبت و صمیمیت،^{۴۰} همراهی و همدلی،^{۴۱} نیل به اهداف،^{۴۲} آسان شدن مشکلات^{۴۳} و موفقیت^{۴۴} می‌گردد. وقتی معاشرت نیکو و مدارا در زندگی حاکم باشد، اعضای خانواده به همدیگر حسادت نمی‌کنند، از مکر و حيله به دور می‌مانند و به دلیل صمیمیت و صفایی که در زندگی حاکم است، امنیت روانی و جانی افراد تأمین می‌گردد. همچنین اعضای این خانواده با همدلی و همفکری، به سوی اهداف بلند قدم برداشته، به موفقیت می‌رسند.

۵. رازداری

بی‌تردید هیچ فردی به جز حضرات معصومان علیهم‌السلام کامل و بدون نقص نیست. هر فردی ممکن است کاستی‌ها، عیب‌ها، رازها و مسائل محرمانه‌ای داشته باشد که دوست ندارد دیگران از آن مطلع گردند. از این‌رو، حفظ اسرار و عیوب و رازهای دیگران از فضیلت‌های اخلاقی شمرده شده و به آن توصیه گردیده است. از نظر اخلاقی، کسی حق ندارد اسرار دیگران را فاش کند. چه بسا افشای اسرار افراد موجب اختلاف، آبروریزی، دشمنی و مشکلات دیگر گردد.

آثار رازداری، در محیط خانواده به مراتب مهم‌تر و بیشتر از اجتماع خواهد بود. زن و شوهر باید محرم اسرار یکدیگر باشند و همانند همدمی امین، مطمئن

و دلسوز، عیوب یکدیگر را بپوشانند و از افشای اسراری که ممکن است باعث دردسر و اختلاف شود، خودداری کنند.

قرآن کریم در تعبیری زیبا و سنجیده می‌فرماید: «زن و مرد لباس یکدیگر هستند».^{۴۵} خاصیت لباس این است که علاوه بر ایجاد گرمی و زینت بودن، عیب‌های جسمانی فرد را می‌پوشاند. زن و مرد نیز همانند لباس که حافظ تن و حجابی بر روی عیب‌های بدن است، باید عیب‌ها و اسرار نهانی همدیگر را بپوشانند. رازداری همسران به‌ویژه زن، افزون بر اینکه موجب کسب اجر معنوی می‌گردد،^{۴۶} موجب ارتقای منزلت انسانی نیز می‌شود. افراد رازدار، در نگاه مردم ارزش بیشتری کسب می‌کنند. بنابراین، در آموزه‌های دینی توصیه شده است با همسری رازدار و مطمئن ازدواج کنید. امام صادق علیه‌السلام در روایتی در این باره می‌فرماید: «نگاه کن و توجه نما که خود را در چه موقعیتی قرار می‌دهی و چه کسی را شریک زندگی و اموالت می‌کنی و چه کسی را از دین و رمز و راز زندگی آگاه می‌سازی».^{۴۷}

رازداری همسر نشانه امانتداری، الفت، دلسوزی، بزرگواری، سعه صدر و خداترسی اوست. افشای اسرار خانواده و همسر افزون بر سلب اعتماد در میان اعضای خانواده، باعث ایجاد فتنه و درگیری و هتک حیثیت در اقوام می‌گردد و چه بسا خانواده‌هایی دچار بحران و ازهم‌گسستگی گردند.

۶. هدیه دادن به همسر

یکی از کارهای ارزشمند و تأثیرگذار در روابط همسران، هدیه دادن است. تقدیم هدیه به یکدیگر، افزون بر اینکه اجر معنوی و پاداش اخروی^{۴۸} در پی دارد، موجب جلب محبت، دوستی و علاقه‌مندی بیشتر میان همسران می‌گردد. امام علی علیه‌السلام درباره آثار هدیه می‌فرماید: «هدیه دادن موجب جلب دوستی و

محبت بین افراد می‌شود.^{۴۹} امام صادق علیه‌السلام نیز فرمودند: «به یکدیگر هدیه دهید تا میان شما محبت برقرار شود. همانا هدیه دادن کینه‌ها را از دل می‌برد».^{۵۰} زن و شوهر وقتی در مناسبت‌های مختلف همانند تولد، سالگرد ازدواج، روز زن و مادر، روز پدر و در بازگشت از مسافرت، هدیه‌ای به یکدیگر تقدیم می‌کنند، در واقع علاقه قلبی و درونی خود را ظاهر کرده و این کار آثار روانی و عاطفی و تربیتی ویژه‌ای در پی خواهد داشت. این عمل، موجب به‌وجود آمدن این تصور می‌شود که همسر من هنوز به من علاقه کافی دارد و به فکر من هست و به روزهای مهم توجه دارد. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «هر گاه یکی از شما مسافرتی می‌رود و از سفر برمی‌گردد، باید برای خانواده‌اش آنچه ممکن است هدیه بیاورد».^{۵۱} این حدیث شریف، بیانگر این مطلب است که نفس توجه به خانواده، حتی اگر با هدیه‌ای ناچیز باشد، در تعاملات اعضای خانواده و در روابط عاطفی آنان تأثیرگذار است و آثار خوبی بر روحیه افراد می‌گذارد.

نقش التزام همسران به وظایف اخلاقی در تربیت فرزندان

نهاد خانواده به مثابه جامعه کوچکی است که هر یک از اعضای آن به گونه‌ای بر دیگری تأثیرگذار است. به دلیل رکن بودن نقش همسران در خانواده، تأثیرگذاری مضاعف و دوجندانی بر فضای عمومی خانواده و به ویژه فرزندان دارد؛ زیرا خانواده به صورت یک سیستم متعامل^{۵۲} و به‌هم‌پیوسته است و هر کدام از اعضای آن متناسب با جایگاه و نقشی که دارد، در دیگران تأثیرگذار است. پدر و مادر در جایگاه محوری‌ترین عنصر تعاملات خانوادگی، وقتی التزام و توجه اساسی به آموزه‌های اخلاقی در روابط همسری داشتند، می‌توانند الگو و مدل قابل قبول و ارزنده‌ای برای انتقال مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی به فرزندان خود باشند.

تأثیرگذاری و نقش آفرینی اساسی والدین در فرزندان را می‌توان دست‌کم به دو دلیل، سرنوشت‌سازترین و اصلی‌ترین عامل در تربیت اخلاقی، روان‌شناختی و اجتماعی کودکان به شمار آورد:

دلیل نخست

در شکل‌گیری و تکون شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری فرزندان، دو عامل عمدهٔ وراثت و محیط دخالت دارند. در میان عوامل محیطی، تأثیرگذارترین عامل و عمومی‌ترین عامل، خانواده است و در میان عوامل خانوادگی، محوری‌ترین عامل، والدین هستند.

اثرگذاری والدین، به دلیل جایگاه ممتاز و تعامل بیشتر ایشان و اینکه نخستین مربی کودک‌اند، بیشتر از سایر عوامل اجتماعی است. اندیشمندان و کارشناسان علوم تربیتی و روان‌شناسی، با عبارات مختلف به نقش اساسی والدین و محیط خانواده در رشد اخلاقی و شخصیتی کودکان اشاره کرده‌اند. کارل یونگ^{۵۳} یکی از روان‌شناسان غربی معتقد است در مرحلهٔ کودکی، آنچه ممکن است شخصیت کودک خوانده شود، چیزی نیست مگر انعکاس شخصیت و رفتارهای والدین او. بدیهی است که پس از آن، والدین نفوذ و تأثیر زیادتری بر شکل‌گیری شخصیت کودک اعمال می‌کنند. آنها می‌توانند با شیوه‌های رفتاری خود، به رشد شخصیت او کمک کنند یا مانع آن بشوند؛^{۵۴} یعنی والدین در شکل‌گیری رفتارها و منش کودک دخالت زیادی دارند.

هورنای^{۵۵} یکی دیگر از روان‌شناسان، رابطهٔ اجتماعی موجود بین کودک و والدین را عامل اصلی رشد شخصیت کودک می‌داند و از نیاز کودک به ایمنی و نقش آن در تعیین بهنجار بودن رشد شخصیت، سخن به میان آورده و معتقد است امنیت روانی کودک کاملاً بستگی دارد به اینکه چگونه والدین با او برخورد

کرده‌اند. اظهار نکردن محبت به کودک و فقدان فضای عاطفی، شیوه عمده‌ای است که والدین به وسیله آن، امنیت را تضعیف یا از آن جلوگیری می‌کنند.^{۵۶} کوپر اسمیت^{۵۷} می‌گوید: «در نتیجه تحقیقات به این نکته رسیدم که پسرانی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، معمولاً دارای والدینی هستند که اعتماد به نفس و کرامت نفس، ثبات هیجانی و اتکای به خود از ویژگی‌های شخصیتی آنان به شمار می‌رود و در مسائل پرورش و تربیت فرزندان، بین آنان و فرزندانشان توافق کاملی مشاهده می‌شود».^{۵۸}

مطالعات کال دُول^{۵۹} و همکارانش نیز درباره شکل‌گیری هوش در جریان تأثیر محیط خانواده نشان داده است که کودکان باهوش‌تر معمولاً کسانی هستند که در خانواده‌های صمیمی رشد کرده و از امکانات فرهنگی و تربیتی بیشتری برخوردارند.^{۶۰} بنابراین، روابط عاطفی و اخلاقی والدین و همچنین فضای تربیتی و عاطفی به وجود آمده به دنبال این رابطه، نقش زیادی در رشد اخلاقی، روان‌شناختی و شخصیتی کودکان دارد.

دلیل دوم

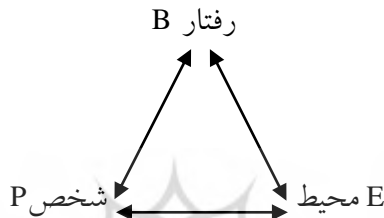
بسیاری از اندیشمندان روان‌شناسی به‌ویژه آقای آلبرت بندورا^{۶۱} اعتقاد دارند بیشترین یادگیری‌ها و تأثیرپذیری‌های افراد انسانی، از طریق یادگیری مشاهده‌ای و دیدن الگوهای ارائه شده است. بر اساس نظریه ایشان، هر چقدر الگوها از محبوبیت و جایگاه ارزشی ویژه‌ای برخوردار باشند، تأثیرگذاری بیشتری بر الگوگیرنده‌ها دارند. ایشان همچنین معتقدند والدین به منزله اولین الگو، بر شخصیت کودکان، اجتماعی شدن آنها، روش‌های تعامل با دیگران، نحوه برخورد با مشکلات زندگی و مسائل اخلاقی کودکان تأثیر جدی و اساسی دارند.^{۶۲}

بنابراین، وقتی پدر و مادر به آموزه‌های اخلاقی همسرمداری التزام جدی دارند و روابط عاطفی و اخلاقی محبت‌آمیز و مؤدبانه، دلسوزانه و دین‌مدارانه دارند، بر فرزندان خود نیز اثر گذاشته و آنان را به سوی مسائل تربیتی سوق خواهند داد. افزون بر این، وقتی محیط خانواده، دوستانه، صادقانه، محبت‌آمیز و همراه با حس وظیفه‌شناسی و احترام بود، فضایی آرام و معنوی به وجود خواهد آمد و این فضا در آرامش روانی، شکوفایی استعدادها و همچنین خلاقیت فرزندان مؤثر خواهد بود؛ زیرا یکی از شرایط عمده برای رشد عاطفی، ذهنی، فکری و روانی کودکان، محیط مناسب خانواده است که این فضا در خانواده‌هایی که ملتزم به حقوق متقابل و نقش‌های اختصاصی افراد هستند، به وجود می‌آید. این‌گونه خانواده‌ها بیشترین شباهت را به خانواده‌ای که در روان‌شناسی به خانوادهٔ مقتدر معروف است، دارد. خانوادهٔ مقتدر از بهترین نوع خانواده‌ها و دارای بهترین روش تربیتی است.

التزام همسران به حقوق اخلاقی متقابل، افزون بر تأثیرهای مزبور بر فرزندان، در ترقی معنوی و رشد معنوی و تربیتی یکدیگر نیز تأثیرگذار است. وقتی همسران در محیطی عاطفی، دوستانه و مملو از ارزش‌های اخلاقی، گذران عمر می‌کنند، آرام‌آرام و به صورت ناهوشیار بر کمالات و زیبایی‌های اخلاقی آنان افزوده خواهد شد؛ زیرا محیط سالم و پاکیزه (از نظر اخلاقی) در شخصیت و نوع کارکردهای افراد تأثیر می‌گذارد و همین‌طور افراد سالم و بهنجار متقابلاً در محیط و بهتر شدن آن اثر می‌گذارند و این سیر ترقی ادامه دارد.

آلبرت بندورا^{۶۳} اعتقاد دارد که تعامل شخص، محیط و رفتار، جبر متقابل به وجود می‌آورد؛ یعنی وقتی فردی در محیطی زندگی می‌کند و رفتار خاصی انجام می‌دهد، آن رفتار در محیط تأثیر گذاشته و محیط را تغییر می‌دهد و محیط تغییر یافته، دوباره بر فرد اثر گذاشته و رفتار او را به نوعی دیگر رقم می‌زند. حال اگر رفتار فرد مطلوب و صحیح باشد، محیط به طرف اصلاح و پاکیزه‌تر شدن

متمایل شده و محیط پاکیزه دوباره بر فرد اثر گذاشته و رفتار او بهتر از گذشته خواهد شد. این فرایند در رفتارهای ناهنجار نیز وجود دارد. برای مثال، وقتی افراد سالم و مؤمن و بهنجاری در محله‌ای زندگی بکنند، آن محله تحت تأثیر این افراد قرار گرفته و فضای معنوی و خوبی پیدا خواهد کرد و این فضای معنوی در خود افراد نیز اثر گذاشته و رفتارشان از مرحله قبل بهتر خواهد شد. در شکل پایین B یعنی رفتار، و P یعنی شخص و E یعنی محیط.^{۶۴}



نتیجه‌گیری

۱. همسران در رابطه با یکدیگر تعهدات اخلاقی دارند؛
۲. وظایف اخلاقی همسران در آموزه‌های دینی به خوبی تبیین گردیده است؛
۳. التزام به مسایل اخلاقی در استحکام خانواده، نقش سازنده‌ای دارد؛
۴. تعهدات اخلاقی همسران در راستای نیازهای خانوادگی و اجتماعی آنان است؛
۵. التزام به مسایل اخلاقی در خانواده، آثار تربیتی ویژه‌ای روی فرزندان دارد؛
۶. عمل به بایسته‌های اخلاقی توسط همسران، تأثیرات مطلوبی روی بهبود محیط اجتماعی می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۴.
 ۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.
 ۳. همان، ص ۲۲۴.
 ۴. همان، ج ۷۱، ص ۵.
 ۵. جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۳۲۹، ح ۶۲۳۱.
 ۶. حسام‌الدین هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۴۶۲.
 ۷. جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۸۴، ح ۴۸۱۵.
 ۸. همان، ج ۴، ص ۱۲۱، ح ۵۵۲۰.
 ۹. حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۴.
10. John Gray.
۱۱. جان گری، مردان مریخی، زنان ونوسی، (ترجمه نقیبی)، ص ۱۷۰.
 ۱۲. مسعود آذربایجانی و همکاران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۴۰.
 ۱۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۴۴.
 ۱۴. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹.
 ۱۵. این یک اصل روان‌شناختی است که می‌گوید اگر به دنبال انجام کاری، تقویت و تشویق بیاید، احتمال تکرار آن کار بیشتر می‌گردد.
 ۱۶. حسن ملک، چگونه با تفاهم زندگی کنیم، ص ۲۶.

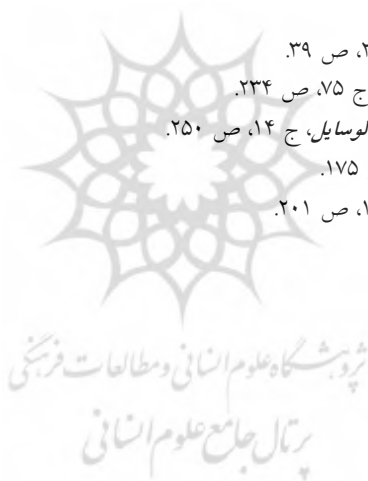
17. Carl Rogers.

۱۸. حسن ملکی، چگونه با تفاهم زندگی کنیم، ص ۲۶.
۱۹. جان گری، مردان مریخی، زنان ونوسی، ص ۱۷۹.
۲۰. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.
۲۱. همان، ص ۱۵۲.
۲۲. همان.

23. Koenig H, Hand Book of Religion and mental health, pp. 283 - 294.

۲۴ روم: ۲۱

۲۵. حسین نور طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲.
 ۲۶. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳.
 ۲۷. مجتبی حیدری، دینداری و رضامندی خانوادگی، ص ۱۰۳.
 ۲۸. پل تورینر، راز تفاهم در زندگی زناشویی، ترجمه ناصر فرجی، ص ۱۰۲.
 ۲۹. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷.
 ۳۰. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۵.
 ۳۱. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۹.
 ۳۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۴.
 ۳۳. حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.
 ۳۴. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۵.
 ۳۵. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۱.
 ۳۶. آمدی، غرر الحکم، ص ۲۴۴.
 ۳۷. همان.
 ۳۸. همان.
 ۳۹. کلینی، الکافی، ص ۱۱۹.
 ۴۰. آمدی، غرر الحکم، ص ۲۴۴.
 ۴۱. همان.
 ۴۲. همان.
 ۴۳. همان.
 ۴۴. همان.
- ۴۵ بقره: ۱۸۷
۴۶. قال الصادق (علیه السلام): مَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ عَوْرَةَ يَخَافُهَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً مِنْ عَوْرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی که عیبی از مؤمنی بپوشاند - عیبی که از افشا شدنش می ترسد - خداوند هفتاد عیب از عیب‌های دنیا و آخرت او را پوشیده می‌دارد (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۲).
 ۴۷. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲.
 ۴۸. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۱۴.



۴۹. حسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسایل*، ج ۱۳، ص ۲۰۷.

۵۰. مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۲، ص ۴۴.

۵۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۱.

۵۲. درست مثل سیستم بدن انسان که هر کدام از اعضای آن در تعامل با دیگری بوده و از همدیگر تأثیر و تأثر دارند و اعضایی که نقش و جایگاه مهم تری دارند (مثل قلب و مغز) تأثیرشان در سیستم بدن و مجموعه بدن، بیشتر است.

53. Karl Gung

۵۴. دوان شولتز، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۱۱۹.

55 Horney

۵۶. همان، ص ۱۷۰.

57. Cooper smith

۵۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، ج ۲، ص ۸۵۵.

59. Cal dwell

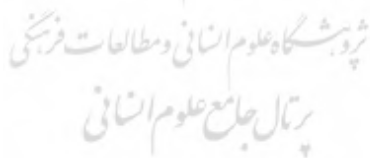
۶۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، ج ۲، ص ۸۵۵.

61. Albert Bandura

۶۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسی رشد*، ج ۲، ص ۴۶۰.

63. Albert Banduya.

۶۴. بی‌آر، *هرگنهان، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی‌اکبر سیف، ص ۳۸۵.



منابع

- الطبرسی، رضی‌الدین، *مکارم الاخلاق*، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۷۷.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- متقی‌هندی، حسام‌الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
- نوری طبرسی، حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسة آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
- گری، جان، *مردان مریخی، زنان ونوسی*، تهران، همشهری، ۱۳۷۶.
- ملکی، حسن، *چگونه با تفاهم زندگی کنیم*، زنجان، نیکان کتاب، ۱۳۸۵.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- حیدری، مجتبی، *دینداری و رضامندی خانوادگی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵.
- توریئر، پل، *راز تفاهم در زندگی زناشویی*، ترجمه ناصر فرجی، تهران، جوان، ۱۳۷۹.
- دیلمی، ابی‌محمد الحسن، *ارشادالقلوب*، بی‌جا، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
- پاینده، ابوالقاسم، *نهج‌الفصاحه*، تهران، چاپ اسلامیه، ۱۳۳۷.
- ابن‌ابی‌الحدید، *شرح نهج‌البلاغه*، قم، منشورات مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
- آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- حسینی دشتی، سیدمصطفی، *معارف و معاریف*، قم، صدر، ۱۳۷۶.
- معاونت فرهنگی و تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، *خانواده پویا*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵.
- شولتز، دوان، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۸۴.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسی رشد*، با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
- هرگنهان، بی‌آر، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۷۶.
- شجاعی، محمدصادق، *توکل به خدا*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳.
- آذربایجانی، مسعود و همکاران، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ۱۳۸۲.
- الحرالعالمی، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- Koenig, H, Hand Book of Religion and Mentall Health, Academic Press, 1998.